

نقش انفاق در سلامت معنوی از دیدگاه قرآن و روایات

حسین خاکپور^۱

پریسا اجنگان^۲

مریم لطفی مهر وئی^۳

چکیده

مقدمه: «انفاق» ودیعه‌ای الهی از عرش کبریایی برای انسان خاکی است که در آن، انسان در این عمل از یکسو نظر به وجود الهی و از دیگر سوی، نگاه به خلق خداوند دارد. «انفاق» در منابع اسلامی معنای عامی داشته که اعم از اعطای مادی است و نقش به سزایی در آرامش و سلامت معنوی انسان دارد. بر این اساس هدف نوشته حاضر تبیین کارکردهای تربیتی انفاق و نقش آن در سلامت معنوی از دیدگاه قرآن و روایات می‌باشد.

روش: این تحقیق میان رشته‌ای با رویکرد قرآنی - روایتی و با بهره‌گیری از شیوه تحلیل مفهومی انجام گردیده است.

یافته‌ها: اگرچه «انفاق» در ظاهر کاسته‌شدن از داشته‌های مادی انسان است، اما در باطن باعث ارتقای روحیه شادکامی و موجب سعادت اخروی است که با ایجاد مؤلفه‌های شناختی و رفتاری و سلب مؤلفه‌های منفی از انسان سلامت روح و روان را به ارمغان می‌آورد.

۱. دانشیار، دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده مسؤول)
Email: Dr.khakpour@theo.usb.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۲

بحث و نتیجه‌گیری: «انفاق» با تقویت وجدان اجتماعی و روحیه همدلی با ایفای «نقش تقویتی»، در کنار ایجاد الفت و گسترش تعاملات انسانی که به نقش تکاملی نامبردار است و نیز با درمان بیماری‌های بخل و مال دوستی و سایر نقش‌های دیگر، تأثیر بالایی در ارتقای سلامت معنوی فرد و جامعه دارد و کارکردهای آن در دو شکل ایجاد و سلبی تجلی می‌گردد.

واژگان کلیدی

انفاق، سلامت معنوی، کارکرد تربیتی، قرآن، حدیث

مقدمه

در دین مبین اسلام به «انفاق» سفارش فراوان شده است و از آن به عنوان وسیله‌ای برای نزدیک شدن به خداوند یکتا یاد شده است. برخی می‌پندارند با بخشیدن، چیزی از آن‌ها کم می‌شود، اما همانطور که در قرآن کریم آمده است، کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همچون کسانی هستند که بذری را می‌افشانند و آن بذر هفت خوشه برویاند که در هر خوشه، یکصد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس که بخواهد، دو یا چند برابر می‌کند (بقره: ۲۶۱). در هر جامعه افراد و گروه‌هایی هستند که به علل مختلف نیاز به حمایت دارند. این حمایت می‌تواند مالی، آبرویی، فکری، عملی، بیانی و قلمی باشد. بنابراین دامنه انفاق از هر جهت اعم از انفاق‌کنندگان و انفاق‌گیرندگان و آنچه انفاق می‌شود، بسیار گسترده است (واعظی‌نژاد، ۱۳۷۸ ش.). در جوامع امروزی که مشکلات روحی و روانی هر روز بیشتر دامن انسان را می‌گیرد و فاصله طبقاتی افزون‌تر می‌شود، با ترویج این صفت الهی می‌توان جامعه‌ای شاد، سرشار از حس نوع‌دوستی و محبت داشت. با تأمل در سیره معصومین درمی‌یابیم که فرد انفاق‌کننده نه تنها جامعه را در جهت نشاط، سوق می‌دهد، بلکه نفس خود را از صفات ناپسندی چون بخل می‌رهاند و به سوی خودسازی سوق می‌دهد. انفاق یکی از اولویت‌ها در زندگی اهل بیت (ع) می‌باشد. چنانکه تاریخ‌نگاران نوشته‌اند: امام حسن (ع) دوبر تمام ثروت خود را در راه خدا خرج کرد و سه بار دارایی‌اش را به دو نصف کرده، نیمی را برای خود گذاشت و نصف دیگر را در راه خدا انفاق کرد (یعقوبی، ۱۳۷۰ ش؛ ابن اثیر، ۱۳۸۰ ش؛ ابن جوزی، ۱۳۷۹ ش.). تفکر در آیات قرآن و سیره ائمه اطهار (ع) ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که با انفاق می‌توان هم فرد و هم جامعه را به آرامش روحی و روانی رسانید و این صفت خصیصه‌ای الهی است که منشأ و

مبدأ آن ذات باری تعالی است. مطالعه حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که کارکردهای تربیتی انفاق چیست و چه نقشی در سلامت معنوی انسان دارد؟

روش

این تحقیق میان‌رشته‌ای با رویکرد قرآنی - روایتی و با بهره‌گیری از شیوه تحلیل مفهومی انجام گردیده است. در تحلیل مفهومی پس از توصیف مفاهیم و کارکردهای آن‌ها و تمایز مفاهیم از سایر مفاهیم مشترک، رابطه آن‌ها با سایر مفاهیم مورد تأمل قرار می‌گیرد.

۱- پیشینه تحقیق

اگرچه تاکنون کتاب، مقاله یا پایان‌نامه‌ای پیرامون این موضوع به رشته تحریر در نیامده است، اما نوشته‌هایی را می‌توان یافت که به برخی جوانب موضوع اشاره‌ای گذرا داشته و یا از دریچه‌ای دیگر به انفاق نگریسته‌اند. پایان‌نامه «تأثیر انفاق بر شخصیت مؤمن از منظر قرآن و روایت» (نوری، ۱۳۹۳ ش.) به طور کلی به تأثیر انفاق بر شخصیت مؤمن پرداخته است. پایان‌نامه «مفهوم انفاق از منظر قرآن و سنت، آثار و پیامدهای اجتماعی و فردی آن» (بخشی، ۱۳۹۱ ش.) به بررسی انفاق و آثار فردی و اجتماعی آن و مقاله «تأثیرات اخلاقی انفاق در قرآن کریم و حدیث» (مصلایی‌پور، ۱۳۹۰ ش.) به بررسی آیات و روایات اخلاقی انفاق پرداخته است. مقاله «آثار و برکات انفاق» (فقیهی مقدسی، ۱۳۸۶ ش.) تأثیرات انفاق و شرایط اعطای انفاق را بررسی نموده و کتاب «انفاق از دیدگاه اسلام» (عظیمی، ۱۳۷۱ ش.) به بررسی آیات و روایاتی که در مورد انفاق بحث کرده‌اند، پرداخته است، اما تمرکز نوشته حاضر بر بیان کارکردهای تربیتی انفاق و نقش آن بر سلامت معنوی از دیدگاه قرآن و روایت می‌باشد که به نوبه خود، دارای رویکردی جدید است.

۲- مفهوم‌شناسی

مفهوم لغوی و اصطلاحی واژگان کلیدی ما را در تحلیل هرچه بهتر بحث کمک خواهد کرد، که به شرح زیر می‌باشد.

۱-۲- **انفاق:** این واژه از ریشه (ن - ف - ق) به معنای کم‌شدن، نابودشدن، هزینه‌کردن، مخفی‌کردن و پوشاندن است (ابن منظور، ۱۴۱۰ ق؛ فیروزآبادی، بی‌تا؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ ق).

در کاربرد رایج قرآن کریم و متون دینی، انفاق اصطلاحاً به دادن مال یا چیزی دیگر در راه خدا به فقیران و دیگر راه‌های مورد نیاز گفته می‌شود (جرجانی، ۱۳۷۰ ش؛ سجادی، ۱۳۷۳ ش؛ المناوی، ۱۴۱۰ ق). به نوشته راغب انفاق به این دلیل به بخشیدن مال اطلاق می‌شود که با بخشش، به ظاهر مال فنا و زوال می‌یابد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳ ش). به نظر برخی واژه‌شناسان انفاق با اعطا از آن جهت تفاوت دارد که در انفاق همواره مالکیت شیء انفاق شده منتقل می‌شود، ولی در اعطا چنین نیست (عسکری، ۱۳۹۰ ش). از این رو اسناد انفاق را به خداوند مجازی و آن را در آیه «يُفِيقُ كَيْفَ يَشَاءُ» (مائده: ۶۴) به معنای رساندن رزق به بندگان دانسته‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴ ش).

۲-۲- **سلامت روان:** سلامت به صورت برخورداری کامل از رفاه جسمانی، روانی، اجتماعی و نه صرفاً فقدان بیماری یا نقص عضو تعریف شده است (کاپلان و همکاران، ۱۹۹۸ م). روان در لغت به معنی روح، جان و نفس ناطقه است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق؛ معین، ۱۳۸۰ ش) و گاه به معنی (بعد متحرک من) می‌باشد (جعفری، ۱۳۶۲ ش). روان، کلمه‌ای فارسی است که معادل آن در فرهنگ قرآن و حدیث، نفس یا شانی از شوون روح و قلب است و بیماری و سلامت روان در قرآن و حدیث غالباً به نفس نسبت داده می‌شود که در فارسی از آن به دل تعبیر می‌شود

(طاهری، ۱۳۸۸ ش؛ خاکپور، ۱۳۹۳ ش). سلامت روان به معنای سلامت تفکر می‌باشد و منظور نشان دادن وضعیت مثبت ذهنی است که خود می‌تواند نسبت به ایجاد سیستم با ارزشی در مورد ایجاد تحرک و پیشرفت و تکامل در حد فردی، ملی و بین‌المللی کمک نمایند، زیرا وقتی سلامت روانی شناخته شد، نسبت به دستیابی به آن اقدام می‌شود و راه برای تکامل فرد و اجتماع باز می‌گردد (حسینی، ۱۳۷۴ ش؛ خاکپور، ۱۳۹۳ ش).

۲-۳- سلامت معنوی: عباسی و همکاران (۱۳۹۱ ش). سلامت معنوی را به این صورت تعریف کرده‌اند: «برخورداری از حس پذیرش، احساسات مثبت، اخلاق و حس ارتباط متقابل مثبت با یک حاکم و قدرت برتر قدسی، دیگران و خود که طی فرایند پویا و هماهنگ شناختی، عاطفی، کنشی و پیامدی شخصی حاصل می‌آید» (عباسی و همکاران، ۱۳۹۱ ش).

۲-۳- مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی انفاق

نحوه نگاه انسان به هستی و نظام آفرینش نقش مهمی در ایجاد روحیه انفاق دارد، زیرا خدا محور دانستن هستی و داشتن هدف برای آن، دو محرک اصلی هستند که انسان را به انفاق تشویق می‌کنند.

۱-۳- خدامحوری: خداوند سرچشمه هستی و تمام خیرات است، او بی‌نیاز مطلق بوده و هیچ کمبودی ندارد. ایمان و اعتقاد به این سرچشمه لایزال، انسان را از پوچ‌گرایی به هدف‌گرایی سوق داده و باعث می‌شود انسان در خود احساس نشاط نموده و هستی را از هست نمای خود بداند «لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» (مائده: ۴۰). اگر انسان خدا را مالک خود بداند هیچ گاه دچار تحیر و سرگردانی نمی‌شود. از نگاه قرآن اگر انسان خود را (عبد) بداند و خداوند را (رب) پس می‌داند که جهان صاحب اختیاری دارد که همیشه به هستی نظارت می‌کند.

انسان در چنین نگاهی رها نیست، بلکه همیشه در محضر خداست (خاکپور، ۱۳۹۲ ش.). وقتی انسان خدا را ناظر خود ببیند و نعمات خداوندی را به یاد آورد، به طور قطع روحیه انفاق و بخشش در او تقویت می‌شود، زیرا می‌داند هر آنچه خداوند باری تعالی در اختیار او نهاده، امانتی بیش نیست و او هم باید به وسیله آن از دیگران دستگیری نماید. درست به همین دلیل است که خداوند می‌فرماید: «از آنچه به شما روزی داده‌ایم» انفاق کنید، یعنی در انفاق جنبه الهی و توحیدی آن مد نظر باشد و این که «مال دنیا» فانی و مالکیت انسان اعتباری است.

۲-۳- جهان‌بینی توحیدی: چنانچه هر شخصی شناخت بهتر و صحیح‌تری از خود و جهان پیرامون پیدا کند، تسلط بیشتری بر روحيات خود خواهد داشت. کسی که سلسله نیازهای خود را در زندگی، به ترتیب و به دقت بررسی کرده و نقاط قوت و ضعف خود را می‌داند، برای رسیدن به خودشکوفایی و تحقق همه استعدادهای خویش و یا رسیدن به الگوی شخصیت سالم و انسان کامل و آرمانی خویش گام‌های محکم‌تری برخواهد داشت و هیجان‌های خویش را بهتر مدیریت خواهد کرد (علوی مقدم، ۱۳۸۶ ش؛ خاکپور، ۱۳۹۳ ش.).

در جهان‌بینی توحیدی هر چیز از خدا شروع و بازگشت آن به خداوند است، در این نوع نگاه جهان گذرا بوده و در چشم به هم‌زدنی انسان برای حساب و کتاب در محضر خداوند حاضر است. چنین اعتقادی در نگاه ما نسبت به انفاق و از خود گذشتگی تأثیر خواهد گذاشت. به عبارتی هر قدر بینش ما از جهان به سمت جهان‌بینی توحیدی برود، اعتقاد ما در بخشش و انفاق، محکم‌تر و راسخ‌تر می‌شود.

۴- کارکردهای تربیتی انفاق و نقش آن در سلامت روان

نقش انفاق از نگاه اسلام به دو شکل توأمان و همراه هم به سلامت نفس انسان کمک می‌کند. در پاره ای از موارد ثبوتی است، یعنی با ایجاد، تقویت، تعالی یا

رشددهی به ویژگی‌های اخلاقی باعث سلامت روان می‌شود و در برخی موارد نقش سلبی دارد، یعنی با کاستن یا از بین بردن خصلت‌های ناپسند مثل بخل و کینه باعث تعالی و سلامت روح می‌شود. مسأله‌ای که در روانشناسی امروز شاید کم‌تر مورد توجه واقع شده یا دیرتر به آن پرداخته‌اند این است که بسیاری از تلاش‌ها در جهت «اثباتی» قضیه است، در حالی که از نگاه قرآن و روایات، جنبه‌های اثباتی لزوماً و توأمان با جنبه‌های «سلبی» باید باشد تا موفقیت حاصل شود.

۱-۴- نقش تقویتی: انفاق با تقویت برخی مؤلفه‌های اخلاق حسنه، به گام

برداشتن انسان در جهت رسیدن به سلامت روحی و روانی کمک می‌کند.

۱-۱-۴- تقویت وجدان اجتماعی: انفاق احساس مشارکت وجدانی مسلمانان را با فقرا و مساکین تقویت می‌کند و باعث می‌شود که شخص خود را در مقابل نیازمندان مسؤول ببیند. توانایی فرد در محبت و نیکی کردن به مردم و تلاش برای برطرف شدن نیازهای آن‌ها، موجب احساس تعلق به گروه و سبب تقویت حس رضایت از خود می‌شود. معضل بزرگ اجتماعی در هر عصر و نسلی، فقر، محرومیت و نظام‌های طبقاتی است که در سایه شوم بی‌عدالتی، رشد و نمو نموده و بر روابط انسانی تأثیر می‌گذارد و مشکلات فراوانی را در سطح جامعه به وجود می‌آورد. انفاق از جمله ابزار کارآمدی است که از نظر متون دینی می‌تواند تا حد زیادی بر روابط اقتصادی انسان‌ها تأثیر گذاشته و فاصله‌های طبقاتی را کم‌تر کرده و یا به کلی از بین ببرد. خداوند در مورد نقش انفاق و رسیدگی به امور نیازمندان، می‌فرماید: «آن‌ها که از میان شما دارای برتری (مالی) و وسعت زندگی هستند نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند» (نور: ۲۲). اگر ثروتمندان جامعه بخش کمی از سرمایه خود را برای سر و سامان دادن به زندگی فقرا و نیازمندان اختصاص دهند علاوه بر اجر

و پاداش معنوی، به تقویت آرامش روحی و روانی خود و اجتماع کمک چشم گیری می کنند.

۲-۱-۴- تقویت روحیه همدلی: همدلی و همیاری، یکی از مهارت هایی است که افراد را در نزدیک شدن به یکدیگر یاری می کند، زیرا در همدلی، فرد با هوش هیجانی مناسب خویش، می تواند خود را در موقعیت دیگران بگذارد و از نگاه آنان به مشکلات بنگرد و آن را حل کند. بخشش مادی یکی از شاخص های است که باعث تقویت همدلی می شود که به هنگام نیاز دیگران، می تواند مرهمی بر زخم های اقتصادی باشد (بی نا، ۱۳۹۱ ش.). امام علی (ع) می فرمایند: «سرور مردم در دنیا افراد بخشنده هستند و بخشنده گی از ثمرات همدلی است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق.). از نگاه متون اسلامی انفاق و همدلی انگیزه ای برای انفاق است، زیرا با این احساس می توان خود را در جایگاه شخص نیازمند دید و به رفع نیاز او اقدام نمود.

۳-۱-۴- تقویت روحیه نشاط و شادکامی: یکی از کارکردهای مهم انفاق تقویت روحیه شادکامی و نشاط می باشد، انسانی که مال خود را انفاق می کند، شاید در ظاهر مقداری از مال او کم شده باشد، اما شادی و شغف بسیاری در درون خود احساس می کند. شخصی شادمان و مسرور خدمت امام جواد (ع) رسید، حضرت فرمود: چیست که تو را شاد می بینم؟ عرض کرد: از پدرتان شنیدم که می فرمود: بهترین روزی که سزاوار است بنده خدا در آن روز شاد باشد، روزی است که توفیق خدمت و دستگیری از برادران مؤمن نصیب او گردد و امروز من موفق شدم به ده نفر از برادران فقیر بخشش نمایم. حضرت فرمود: «به جان خودم سوگند، تو شایسته این شادی هستی. اگر آن انفاق خود را به وسیله منت گذاشتن نابود نکرده باشی» (اکبری، ۱۳۹۳ ش.).

بنابراین اتفاق نه تنها می‌تواند باعث شادی فرد شود، بلکه قادر است موجبات شادی دیگران را نیز فراهم کند. بسیار افرادی هستند که با بخشیدن مال خود به نیازمندان، یا تهیه مخارج بیماران یا پرداخت کمک‌هزینه ازدواج جوانان، موجب شادی خانواده‌ها می‌شوند.

۲-۴- نقش درمانی: اتفاق باعث می‌شود برخی بیماری‌های روحی (صفات مذموم) و جسمی انسان درمان شود. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «بیماری‌هایتان را با صدقه مداوا کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق.).

این روایت به صورت عام همه بیماری‌ها را بیان نموده و این می‌رساند که صرفاً بیماری‌های روحی مورد نظر نیست، چه بسیار بیماری‌های جسمی که منشأ روحی دارند و با درمان روح و رسیدن انسان به آرامش، از بالین انسان رخت بر می‌بندد. کلام رسول‌الله (ص) افق بلندی را در بینش روحی انسان می‌گشاید که نشان از عمق دید ایشان نسبت به تعالیم الهی دارد.

۱-۲-۴- درمان بخل و مال‌دوستی: مال‌دوستی به طور طبیعی در درون انسان قرار داده شده، تا رنج و مشقت کار را برای تأمین معاش تحمل کند، اما در آیات و روایات، علاقه فراوان به مال نکوهش شده است. علاقه فراوان به مال چه کم چه زیاد، زمینه بخل را فراهم می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش.). بخل ورزان همین که دست خود را از دستگیری دیگران باز می‌دارند، بخل آن‌ها را از بینش و عاقبت اندیشی بازمی‌دارد (طالقانی، ۱۳۶۲ ش.). این دشمن درونی با رخنه کردن در جان انسان را از اتفاق بازمی‌دارد، تا آنجا که انسان با فرض داشتن همه خزائن رحمت خداوند از ترس تمام شدن آن از اتفاق چشم می‌پوشد و امساک می‌ورزد. در آیه ۱۰۰ سوره اسراء می‌خوانیم: «بگو اگر شما مالک گنجینه‌های رحمت پروردگارم بودید، باز هم از بیم خرج کردن قطعاً امساک می‌ورزیدید و انسان همواره بخیل

است.» از آنجاکه بشر طبعاً (نه فطرتاً) ممسک و بخیل است، اگر تزکیه نشود مال انفاق شده در راه خدا را غرامت و ضرر می‌پندارد. «و پاره‌ای از بادیه‌نشینان آنچه را انفاق می‌کنند غرامتی می‌دانند» (توبه: ۹۸). همچنین در روایتی پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «و البخل شجره فی النار، اغصانها فی الدنیا، من تعلق بغصن منها قاده ذلک الغصن الی النار؛ بخل درختی است از درخت‌های جهنم که شاخه‌های خود را در دنیا آویخته است، هر کس یکی از آن شاخه‌ها را بگیرد، او را به جهنم می‌کشد» (حمیری قمی، ۱۴۱۳ ق.).

ذات باری تعالی برای درمان بیماری بخل، انسان‌ها را به انفاق تشویق می‌کند و انفاق را نزد مؤمنان، مایه قرب معنوی نزد خداوند می‌داند: «برخی از بادیه‌نشینان به خدا و روز جزا ایمان دارند و آنچه را انفاق می‌کنند مایه تقرب به خدا و دعای پیغمبر می‌دانند» (توبه: ۹۹).

۲-۲-۴- درمان کینه: انفاق یکی از ابزارهای مفید جهت رفع کینه‌ها و کدورت‌ها است از نگاه قرآن کسی که انفاق نمی‌کند علاوه بر صفت مذموم بخل کینه هم در دل دارد که برای رهایی از آن باید انفاق کند. در آیه ۳۷ سوره مبارک محمد، برای نشان دادن میزان دلبستگی بیشتر مردم به اموال و ثروت‌های شخصی می‌فرماید: «هر گاه اموال شما را مطالبه کند و حتی اسرار ورزد بخل می‌کنید، بلکه از آن بالاتر کینه‌ها و خشم شما را آشکار می‌سازد.» «یحفکم» از ماده احفاء اصرار در مطالبه و سؤال است و در اصل از حفا به معنی پابره‌نه راه رفتن است. این تعبیر کنایه از کارهایی است که انسان تا آخرین حد آن را پیگیری می‌کند. «اضغان» جمع «ضغن» به معنی کینه شدید است. به عبارتی، آیه بیانگر دلبستگی شدید بسیاری از مردم به مسائل مالی است و در حقیقت یک نوع ملامت و سرزنش آن‌ها و در عین حال تشویق به ترک این وابستگی است، تا آنجا که اگر خدا نیز از آن‌ها

مطالبه کند خشم و کینه او را به دل می گیرند. به این ترتیب با تازیانه ملامت روح خفته انسان ها را بیدار می سازد، تا زنجیر اسارت و بردگی اموال را از گردن خویش بردارند و آن چنان شوند که در راه دوست از همه چیز گذشته و همه را بر پای او نثار کنند، در عوض ایمان، تقوا، رضا و خشنودی او را بطلبند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش.). در این آیه خداوند با زبان کنایه یکی از راه های برون رفت از کینه را انفاق معرفی می فرماید.

۳-۴- نقش تربیتی و تعالی بخشی: انفاق باعث می شود برخی مؤلفه های روحی در انسان به تعالی برسد و انسان را در بحث تربیتی رشد دهد که در انتها نتیجه آن سلامت روحی و روانی است.

۱-۳-۴- رشد تربیت و تعالی انسان: انفاق تربیت انسان را رشد می دهد و به وی تعالی می بخشد. خداوند می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه به شما روزی داده ایم، انفاق کنید (بقره: ۲۵۴). چنانچه در جایی دیگر می فرماید: خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل های شما زینت بخشیده است (حجرات: ۷). این دو آیه بیان می کنند که یکی از نشانه های ایمان انفاق است و همچنین ایمان محبوب و زینت دهنده دل است. در حقیقت انفاق زینت دهنده دل و قلب مؤمن است. پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «البذل الموجود زینه الیقین؛ بخشیدن چیزی که انسان دارد زینت یقین است» (حکیمی، ۱۳۵۳ ش؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق.). انسان به واسطه انفاق می تواند خود را از رذایل اخلاقی برهاند و نهال نوع دوستی و سخاوت و توجه به حقوق دیگران را در خود پرورش دهد. سخاوت از ثمرات زهد و بی مبالاتی به دنیا است (نراقی، ۱۳۷۷ ش.). بخشش، عطا و سخاوت از مکارم اخلاق است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش.). راه رسیدن به مقام ابرار، انفاق محبوب مجازی در راه محبوب حقیقی، یعنی خداوند متعال است. بر اساس روایات، سخاوت

یکی از سه ابواب نیکی است (برقی، ۱۳۷۱ ش.). پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: سخاوت درختی است از درخت‌های بهشت، که شاخه‌های خود را در دنیا آویخته است، هر کس یکی از آن شاخه‌ها را بگیرد، او را به بهشت می‌کشد (حمیری قمی، ۱۴۱۳ ق.). بالاترین مرتبه سخاوت، ایثار است. ایثار، بخشش با وجود احتیاج و نیاز خود است (نراقی، ۱۳۷۷ ش.).

۲-۳-۴- خودسازی: «یکی از ثمرات مهم انفاق، خودسازی است، انسانی که از خود می‌کاهد و به دیگران می‌پردازد، از غرور، پول پرستی، عشق به مادیات جدا شده، دل از تعلقات دنیوی بریده و به مقام خودسازی رسیده است، زیرا دل سپردن به مادیات نوعی آلودگی است و کسی که به چنین دامی گرفتار شده است باید با انفاق، خود را آزاد و پاک کند. اصولاً در مسأله انفاق، هدف دین مبین اسلام فقط بهره‌برداری مردم نیازمند و یا پرکردن شکم گرسنه و پوشاندن بدن‌های برهنه نیست، بلکه تربیت روح است. اسلام می‌خواهد فرد با انفاق، روحیه همدلی، تعاون، سخاوت و سایر ارزش‌های اخلاقی را در وجود خود پرورش داده و بدین‌وسیله رشد نماید. انفاق‌کننده با انفاق خود، طبق فرموده قرآن کریم، انسانیت، شخصیت کمال خود را شکوفا و تثبیت می‌نماید» (مصلایی‌پور، ۱۳۹۰ ش.).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و حکایت آنان که اموال خود را به طلب رضای خدا و استواری دادن به دل‌های خویش انفاق می‌کنند، عملشان مانند باغی است بر بالای تپه‌ای، که رگباری به آن رسد، و دو برابر ثمر داده باشد، و اگر رگبار نرسیده به جایش باران ملایمی رسیده، خدا به آنچه می‌کنید بینا است» (بقره: ۲۶۵).

به نوشته شهید مطهری، تنها فلسفه انفاق، پرشدن خلائای اجتماعی نیست که برخی این را وظیفه دولت بدانند، بلکه انفاق رابطه‌ای با «ساخته‌شدن» دارد.

این که انسان چیزی داشته باشد و از خود جدا کند و مظهر رحمانیت پروردگار شود، نقش بزرگی در ساخته شدن انسان دارد (مطهری، ۱۳۵۹ ش.).

۳-۳-۴- احساس رضایت و خوشبختی: نیکی به خلق خدا و توجه به مردم از ویژگی‌های مهمی است که انسان را به خداوند متعال نزدیک کرده و موجبات خرسندی او را فراهم می‌آورد. انسان مؤمن می‌داند با انفاق، رضایت خدای تعالی را کسب نموده به همین خاطر احساس رضایت و خوشبختی در او دوچندان می‌شود، زیرا خوشبخت حقیقی کسی است که خدای تعالی از او راضی و خشنود باشد.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خوشبخت کسی است که سرای باقی را که نعمتش پایدار است بر سرای فانی که عذابش بی‌پایان است، برگزیند و از آنچه در اختیار دارد برای سرائی که به آنجا می‌رود پیش فرستد قبل از آنکه آن‌ها را برای کسی بگذارد که او با انفاق آن خوشبخت می‌شود، ولی خودش با گردآوری آن (دارایی‌ها) بدبخت شده است (دیلمی، ۱۳۶۶ ش.).

خوشبختی فقط منحصر به همین زندگی مادی نیست که انسان به انباشت اموال بپردازد و از لذایذ دنیایی خود را بهرمنند سازد، بلکه انسان خوشبخت کسی است که ره‌توشه‌ای برای آخرت خود مهیا کند و از اموالی که دارد، در راه خداوند انفاق کند. انفاق انرژی مثبتی به انسان می‌دهد که به واسطه آن آرام می‌گیرد و احساس خوشبختی در او دوچندان می‌شود.

۴-۳-۴- تأثیر انفاق بر تربیت فرزندان: انفاق بر روحیه فرزندان نیز تأثیر فراوان می‌گذارد به طوری که اگر در سنین خردسالی به آن‌ها آموزش داده شود که به دیگران از چیزهایی که در اختیار دارند ببخشند، به طور قطع در سنین بزرگسالی، انجام چنین اعمالی برای آن‌ها مشکل نخواهد بود یا اگر والدین در حضور فرزندشان

اقدام به انفاق نمایند و او آنها را ببیند و بخواهد تجربه کند این نیز در شکل گیری شخصیت آینده او مؤثر خواهد بود.

از ابوحزمه ثمالی نقل شده است: «که مردی از فرزندان یکی از انبیای ثروت زیادی داشت که همه را در راه خدا انفاق می کرد ایشان از دنیا رفت پسرش از مادر پرسید پدرم چه کرده که همه می گویند خدا رحمتش کند؟ مادر گفت: آدم صالحی بود و بر همه فقرا انفاق می کرد. پسر با الگوگیری از رفتار پدر اندک مالی هم که برای او به ارث مانده بود در راه خدا انفاق کرد و بر اثر اتفاقی که برایش رخ داد چند برابر آن مال را خداوند به او عطا کرد» (صداقت، ۱۳۳۴ ش؛ بدوانی، ۱۳۷۹ ش).

رفتار و عکس العمل پدر و مادر نسبت به مسائل پیرامون خودشان، می تواند الگوی مناسبی برای فرزندان خردسال باشد. پدر و مادر می توانند فرزند خود را زمان انفاق یا بخشیدن چیزی به دیگران مشارکت بدهند و نظر او را محترم شمارند یا آنکه فرزند خردسال را در انداختن پول در صندوق صدقات تشویق کنند تا آنها یاد بگیرند که پدر و مادرشان به نیازمندان اهمیت می دهند. کودکان پس از دوسالگی، قدرت تشخیص خوب و بد را دارند تا آماده دریافت آموزش های اخلاقی باشند. والدین در این سن می توانند فرزندان را در انجام کار خیر و کمک به دیگران راهنمایی کنند. انجام چنین کارهایی به پرورش روحیه قناعت و رشد انسانی فرزندان کمک می کند.

۴-۴- نقش ایجاد: انفاق باعث می شود، برخی مؤلفه های اخلاقی ایجاد و یا

تکامل یابند که نتیجه آن سلامت روح و روان است.

۴-۴-۱- ایجاد الفت و دوستی: یکی از کارکردهای تربیتی انفاق، ایجاد الفت و

دوستی در بین اقشار جامعه و مسلمانان می باشد، این مؤلفه بیشتر جنبه رفتاری

دارد. کسی که اتفاق می‌کند هم از مزایای مادی و هم از مزایای معنوی آنکه احساس دوستی بین مردم است، بهرمنده می‌شود. اگر بخواهیم جامعه و مردم به سلامت روانی و وحدت و همبستگی دست یابند، باید روحیه ایثار، فداکاری و انفاق را در آن‌ها پرورش دهیم.

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «کثره السخاء یكثر الاولیاء و یتصلح الاعداء؛ زیادی بخشش دوستان را زیاد می‌کند و دشمنان را بر سر صلح و سازش در می‌آورد» (میرعظیمی، ۱۳۷۱ ش.). با توجه به این روایت اتفاق یکی از مؤلفه‌های ایجاد دوستی در بین افراد می‌باشد که این دوستی و الفت، آرامش روحی و روانی را در پی خواهد داشت و روابط دوستانه را استحکام می‌بخشد. بنابراین صرف هزینه در راه‌هایی که موجب ایجاد محبت و دوستی بین مسلمین می‌شود، از مصادیق مهم اتفاق است.

۲-۴-۴- ایجاد و گسترش تعاملات انسانی: گرایش به زندگی اجتماعی در وجود همه انسان‌ها نهاده شده است. لازمه ماندگاری و پایداری یک جامعه همدلی و کمک به هم‌نوعان می‌باشد. ابراز احساسات و محبت به انسان‌ها از ویژگی‌هایی می‌باشد که اگرچه در درون انسان پنهان است، اما با کمک زندگی کردن در اجتماع جلوه پیدا می‌کند و انسان‌ها را به سوی کمال سوق می‌دهد. امام علی (ع) می‌فرمایند: «خدای را بندگانی است که آنان را به خاطر منافع دیگر بندگان، نعمت ارزانی داشته است و تا زمانی که از آن نعمت به دیگران بدهند یا در راه مصالح عام اجتماعی خرج کنند، در دست‌شان باقی می‌گذارد و چون امساک ورزند آن نعمت را از ایشان می‌گیرد و به دیگران می‌سپارد» (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۹ ش.).

ایثار و کمک کردن به دیگران، همبستگی اجتماعی را افزایش داده و روحیه تعاون را تقویت می کند. چنین روحیه ای در پیشرفت جامعه تأثیر به سزایی دارد. انفاق، انسان را متعهد به یک سری اصول اخلاقی همانند یکسان نگر و عدالت خواهی می کند که در این اصول انسان منتظر پاداش مادی نیست، بلکه انتظار اجر معنوی و خشنودی خداوند را دارد. هنگامی که انسان به عنوان شخصی از اجتماع منافع شخصی خودش بگذرد و خود را وقف کمک کردن به دیگران بکند، هم زیستی مسالمت آمیز در جامعه گسترش می یابد.

۳-۴-۴- آرامش روحی و روانی: دغدغه اصلی انسان ها در طول تاریخ، رسیدن به آرامش بوده است، تلاش آنان از ابتدای خلقت تا به حال، متوجه این اصل بوده که چه تدبیری بیندیشند تا بتوانند آرامش را برای خود و نزدیکان خویش فراهم سازند. انفاق اموال به انگیزه طلب رضای الهی، موجب تثبیت اعتقادات می شود. کسانی که اعتقاد راسخ ندارند در مقام عمل نیز متزلزل هستند. همان گونه که نهال کاشته شده را باید آبیاری کرد تا این نهال لرزان تثبیت شود، باید با انجام عمل صالح همچون انفاق، نهال اعتقاد به خدا و قیامت را آبیاری و تثبیت کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ش.). خداوند می فرماید: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يَصِبْهَا أَفْلٌ فَالْتَمَطَّ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرَةً و کار کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا و تثبیت ملکات انسانی در روح خود، انفاق می کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد» (بقره: ۲۶۵).

برخی از مفسران جمله «و تَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ» را به آرامش تفسیر کرده اند که پس از انفاق برای انفاق کننده و سپس برای انفاق شونده و به طور کلی برای جامعه حاصل می شود. بنابراین انفاق کنندگان واقعی کسانی هستند که تنها به خاطر خشنودی خدا

و پرورش فضایل انسانی و تثبیت این صفات در درون جان خود و همچنین پایان دادن به اضطراب و ناراحتی‌هایی که بر اثر احساس مسؤولیت در برابر محرومان در وجدان آن‌ها پیدا می‌شود، اقدام به انفاق می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش.).

۴-۵- نقش پاک‌کنندگی: از نقش‌های ارزنده انفاق، تطهیر یا پاک‌کنندگی است. نپرداختن حق‌الله یا حق‌الناس که بر عهده انسان است، موجب آلودگی روحی او می‌شود. انفاق همانند آب، پاک است و پاک‌کننده و اموال را تطهیر می‌نماید (مصلایی‌پور، ۱۳۹۰ ش.). در آیه ۱۰۳ سوره توبه می‌خوانیم: «از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی.» جمله «تطهرهم» در محل نصب و صفت «صدقه» است (زمخشری، ۱۴۰۷ ق.)، یعنی عمل صدقه، عامل صدقه‌دهنده را پاک می‌کند. انفاق هم مایه تطهیر روح انسان است و هم زمینه‌ساز و مسبب رشد و نمو انسان است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش.). خداوند می‌فرماید: همان که مال خود را می‌دهد برای آنکه رشد و نمو کند و پاک شود (الیل: ۱۸).

۴-۶- نقش دفعی یا از بین‌برندگی: نقش انفاق در سلامت نفس انسان در پاره‌ای موارد به صورت «سلبی» ظهور و بروز می‌نماید، یعنی انفاق باعث از بین بردن یا دفع برخی خصلت‌ها، چون حزن و اندوه می‌شود و با این عمل سلامت روحی روانی انسان را به همراه می‌آورد.

۴-۶-۱- از بین بردن حزن و اندوه و دفع مرگ‌بد: از آثار مهم انفاق از بین بردن غم و اندوه می‌باشد و این اثر مهم هم مربوط به دنیاست و هم مربوط به آخرت است به گونه‌ای که برخی از این اثر به عنوان اثر بیمه‌گری انفاق یاد کرده‌اند. «آن‌ها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمگین می‌شوند» (بقره: ۲۷۴). شخصی که انفاق می‌کند نه تنها ترس و اندوه از آن دور می‌شود، بلکه اصلاً هیچ

ترسی بر دلش راه نمی‌یابد بر اساس آیه مذکور اتفاق نوعی تضمین برای رسیدن به آرامش روحی و روانی است. اتفاق از حزن و اندوهی که در اثر ناملایمات زندگی حاصل می‌شود، جلوگیری می‌کند. همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «تدفع میته السوء عن الانسان؛ صدقه مرگ بد را از انسان دفع می‌کند: (مجلسی، ۱۴۰۳ ق.)».

پرستش و راز نیاز با خداوند به هر صورتی که باشد، یکی از نشانه‌های سلامت روان و ارتقای سلامت معنوی است. گرایش‌ها و رفتارهای مذهبی به ارتقای سلامت روان کمک فراوانی می‌کند. یکی از عبادت‌های مورد تأکید خداوند، اتفاق و بخشش مال به دیگران است. مفید و مؤثر بودن برای افراد جامعه یکی از عواملی است که به سلامت روان ما کمک می‌کند. هنگامی که با رفتارهای عاطفی و بخشش‌گرانه خود مشمول دعای دیگران می‌شویم، در پرشدن گنجینه عشق خود گامی اساسی برداشته‌ایم. پر بودن این گنجینه باعث از بین رفتن غم و اندوه و افزایش انگیزه و امید می‌گردد.

۲-۶-۴- دفع مرگ بد: یکی از دل‌مشغولی‌های که همیشه دامن‌گیر انسان بوده و فکر آدمی را به خود مشغول داشته، مرگ بد، افتادن در بستر بیماری به صورت بلندمدت یا انواع و اقسام حوادث ناگوار و... است. از نگاه دینی یکی از راه‌های دور کردن مرگ بد از انسان اتفاق است. همان‌چنانکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «تدفع میته السوء عن الانسان؛ صدقه مرگ بد را از انسان دفع می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق.). همان‌طور که در این روایت ذکر شده است، اتفاق باعث می‌شود که مرگ بد یا مرگی که در شان یک مؤمن نیست از انسان دور شود. همچنین بیانگر آن است که اتفاق نقش به سزایی در تعیین عاقبت و نوع مرگ انسان دارد. با توجه به تفاسیر و برداشت‌های متعدد از روایات موجود، تحلیل و تبیین درست آن‌ها از مشکلات این پژوهش به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

انفاق اگرچه در ظاهر کاسته‌شدن از داشته‌های مادی انسان است، اما در باطن باعث افزایش روحیه شادی و موجب سعادت اخروی است. انفاق با تقویت وجدان اجتماعی و روحیه همدلی با ایفای «نقش تقویتی»، در کنار ایجاد الفت و گسترش تعاملات انسانی که به «نقش ایجادی» نامبردار است و نیز با درمان بیماری‌های بخل و مال‌دوستی و سایر نقش‌های دیگر تأثیر بالایی در ارتقای سلامت روحی و معنوی فرد و جامعه دارد. از نگاه متون اسلامی انفاق و «همدلی» رابطه دوسویه دارند، زیرا با این احساس می‌توان خود را در جایگاه شخص نیازمند دید و به رفع نیاز او اقدام نمود. با تأمل در سیره معصومین درمی‌یابیم که فرد انفاق‌کننده نه تنها جامعه را در جهت شادی، سوق می‌دهد، بلکه از دیگرسازی به «خودسازی» می‌رسد. انفاق از نگاه اسلام به دو شکل توأمان و همراه هم به سلامت نفس انسان کمک می‌کند. در پاره‌ای از موارد ثبوتی است یعنی با ایجاد، تقویت، تعالی یا رشددهی به ویژگی‌های اخلاقی باعث سلامت روان می‌شود و در برخی موارد نقش سلبی دارد، یعنی با کاستن یا از بین بردن خصلت‌های ناپسند مثل بخل، کینه و... باعث تعالی و سلامت روح می‌شود. مسأله‌ای که در روانشناسی امروز شاید کمتر مورد توجه واقع شده یا دیرتر به آن پرداخته‌اند، این است که بسیاری از تلاش‌ها در جهت «اثباتی» قضیه است، در حالی که از نگاه قرآن و روایات، جنبه‌های اثباتی لزوماً و توأمان با جنبه‌های «سلبی» باید باشد تا موفقیت حاصل شود.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- اکبری، محمود. (۱۳۹۳ ش.). عم و شادی در سیره معصومین. قم: فتیان، ص ۳۸.
- بخشی، زهرا. (۱۳۹۱ ش.). مفهوم اتفاق از منظر قرآن و سنت آثار و پیامدهای اجتماعی و فردی آن. مشهد: پایان نامه کارشناسی ارشد.
- بی.نا. (۱۳۹۱ ش.). نقش بخشش های مادی (احسان) در سلامت روان. مجله اشارات. شماره صد و چهل و نهم، ص ۲۳.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۶۲ ش.). تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ص ۵۲.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷ ش.). دین شناسی. قم: مرکز نشر اسراء، ص ۷۲.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ ش.). تسنیم. قم: مرکز نشر اسراء، هجده جلدی، جلد هفت و هشتم: ۲۰۹.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹ ش.). ادب فنای مهربان. قم: مرکز نشر اسراء، نه جلدی، جلد اول: ۲۰۵؛ جلد هشتم: ۵۱۴-۵۱۳.
- حسینی، سیدابوالقاسم. (۱۳۷۴ ش.). اصول بهداشت روانی. مشهد: آستان قدس رضوی، ص ۱۴.
- حکیمی، محمدرضا. (۱۳۵۴ ش.). الحیاه. تهران: نشر دلیل ما، ص ۱۱۴.
- سجادی، سیدجعفر. (۱۳۷۳ ش.). فرهنگ معارف اسلامی. تهران: کومش، سه جلدی، جلد اول، ص ۳۲۳.
- صداقت، علی اکبر. (۱۳۳۴ ش.). یکصد موضوع و پانصد داستان. قم: ناصر، صص ۸۹-۹۰.
- طالقانی، محمود. (۱۳۶۲ ش.). پرتوی از قرآن. تهران: سهامی انتشار، شش جلدی، جلد پنجم، صص ۴۳۶-۴۳۷.
- طاهری، حبیب الله. (۱۳۸۸ ش.). نقش باورهای دینی در رفع نگرانی ها. قم: زائر، ص ۶۷.
- عسکری، ابوهلال. (۱۳۹۰ ش.). الفروق اللغویه. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۸۲-۸۳.
- علوی مقدم، لیلا. (۱۳۸۶ ش.). جوان، هیجان، خویشتن داری. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ص ۴۳.

فقیهی مقدس، نفیسه. (۱۳۸۶ ش.). *آثار و برکات اتفاق*. بی‌جا: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ص ۱۱.

مصلائی‌پور، عباس. (۱۳۹۰ ش.). *تأثیرات اخلاقی اتفاق در قرآن کریم و حدیث*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صص ۳۴، ۳۷.

مطهری، مرتضی. (۱۳۵۹ ش.). *آشنایی با قرآن*. تهران: صدرا، هشت جلدی، جلد دوم، ص ۶۹.

معین، محمد. (۱۳۸۰ ش.). *فرهنگ فارسی*. تهران: سرایش، ص ۲۳.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ ش.). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، بیست و هفت جلدی، جلد دوم: ۳۲۵؛ جلد بیست و یکم: ۴۹۵.

میرعظیمی، جعفر. (۱۳۷۱ ش.). *اتفاق از دیدگاه اسلام*. قم: جعفر میر عظیمی، ص ۷۵.

نوری، فاطمه. (۱۳۹۳ ش.). *تأثیر اتفاق بر شخصیت مؤمن از منظر قرآن و روایت*. زاهدان: پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

واعظی‌نژاد، حسین. (۱۳۷۸ ش.). *آینده‌های بهتر در پرتو اتفاق*. تهران: تمنا، ص ۷۹.

منابع عربی:

قرآن کریم.

ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۰ ق.). *اسد الغابه*. قاهره: دار الاحیاء التراث العربی، دوازده جلدی، جلد دوم، ص ۱۳.

ابن جوزی، عبدالرحمان. (۱۳۷۹ ش.). *تذکره الخواص فی الامه فی ذکر خصائص الائمة*. مترجم محمدرضا عطایی، مشهد: آستان قدس رضوی، ص ۱۹۶.

ابن فارس، ابی‌الحسن احمد. (۱۴۰۴ ق.). *معجم مقاییس اللغة*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، شش جلدی، جلد پنجم، ص ۴۵۵.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۷۵ ش.). *لسان‌العرب*. بیروت: دار صادر، هفت جلدی، جلد چهارم، ص ۲۴۲.

بدوانی، عبدالقادر بن ملوک‌شاه. (۱۳۷۹ ش.). *منتخب التواریخ*. قم: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۸۱۸.

برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ ش.). *المحاسن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، دو جلدی، جلد اول، ص ۶.

جرجانی، علی بن محمد. (۱۳۷۷ ش.). *التعريفات*. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، هفت جلدی، جلد اول، ص ۵۳.

حمیری قمی، عبدالله. (۱۴۱۳ ق.). *قرب الاسناد*. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام الإحيای التراث، ص ۱۱۷.

دیلمی، حسن بن محمد. (۱۳۶۶ ش.). *اعلام الدین فی صفات المؤمنین*. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام الإحيای التراث، ص ۳۴۵.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۳ ش.). *المفردات*. تهران: مرتضوی، ص ۸۱۹.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ق.). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل*. بیروت: دارالکتب العربی، ص ۸۷.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ ق.). *العين*. قم: هجرت، ص ۲۰۷.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۴ ق.). *قاموس المحيط*. بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، چهار جلدی، جلد دوم، ص ۱۲۲۷.

فیض الاسلام، علی نقی. (۱۳۷۹ ش.). *شرح نهج البلاغه*. تهران: مؤسسه چاپ و نشر تالیفات فیض الاسلام، ص ۱۲۴.

قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ ش.). *الجامع لاحکام قرآن*. تهران: ناصر خسرو، چهار جلدی، جلد سوم، ص ۱۵۵.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق.). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء، صد و ده جلدی، جلد اول: ۳۵۰؛ جلد هفتم: ۱۳۱؛ جلد یازدهم: ۱۴۷؛ جلد نود و ششم: ۱۳۰.

مناوی، محمد بن عبدالرووف. (۱۴۲۳ ق.). *التوقيف*. بیروت: دارالفکر المعاصر، پنج جلدی، جلد اول، ص ۱۰۰.

نراقی، ملا احمد. (۱۳۷۷ ش.). *معراج السعاده*. قم: هجرت، هجده جلدی، جلد اول: ۴۰۸؛ جلد دوم: ۴۰۹.

یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۷۰ ش.). *تاریخ یعقوبی*. تهران: نشر علمی و فرهنگی، دو جلدی، جلد دوم، ص ۲۱۵.

منابع انگلیسی:

- Abbasi, M. Azizi, F. Shamsi Gooshi, E. Naseri-Rad, M. Akbari Lakeh, M. (2012). Conceptual definition and operationalization of spiritual health: A methodological study. *Med Ethics J.* 6(20): 11-44.
- Khakpour, H. Hosoumi, V. Goli, M. Iranmanesh, A. (2014). Educational functions of hope and its role in mental health in Quran point of view. *Bioethics J.* 3(10): 59-92.
- Khakpour, H. Hasoomi, V. Nikoonejad, Z. (2015). Basic functions of self-control and its role in mental health in view of Quran and narratives. *Med History J.* 6(21): 149-182.
- Razavi, HG. Khakpour, H. Fanodi, S. Okati, M. (2016). The role of patience in the serenity and spiritual health from Quran and Islamic traditions of view. *Med History J.* 7(25): 129-160.

یادداشت شناسه مؤلفان

حسین خاکپور: دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده مسؤول)

پست الکترونیک: Dr.khakpour@theo.usb.ac.ir

پریسا اجنگان: دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

مریم لطفی مهری: دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

The role of the "Infagh" in spiritual health in view of the Quran and Hadith

Hossine Khakpour

Parisa Ajangan

Maryam Lotfi Mehroieh

Abstract

Background: The "Infagh" is a divine deposit from throne of God to man in which human looks the existence of GOD on one hand, and on the other hand, looks the God creation. "Infagh" in Islamic sources has a general meaning of that has a significant role in the human calm and spiritual health. Thus, this study aims to explain the educational functions of the "Infagh" and its role in spiritual health in view of the Quran and Hadith.

Method: This interdisciplinary research has been done with Quranic-narrative approach and using of conceptual analysis.

Results: Although the "Infagh" seems to being reduction of the man's assets, but it really promotes the man's happiness and causes of eternal welfare that with developing cognitive and behavioral factors and stripping of negative factors of human health give brings the spiritual health.

Conclusion: "Infagh" with strengthen of social conscience and empathy by playing the "role of reinforcement", as well as to create affection and develop human interactions that called the "role of evolution" and also treating of avarice and stinginess and etc. has a high impact in promotion of the spiritual well-being of individuals and society and functions in both form of the stripping from and developing.

Keywords

Infagh, Spiritual Health, Educational Functions, Quran, Hadith

Please cite this article as:

Khakpour, H. Ajangan, P. Lotfi Mehroie, M. (2017). The role of the "Infagh" in spiritual health in view of the Quran and Hadith. *Med History J.* 8(29): 139-164.